

روزت مبارک آقای عاشق!

برای ما «سعدی» شاعری دیگر بود. جداز آن حافظ و «مولوی» که شعرهایشان از کودکی در خانه پدری خوانده می شدو ورد زبان ما بود. سعدی روی طا قچه ای دیگر بود. روی رقی تمیز گوشه هال جایبی



کیازنگ علایی نویسنده و عکاس

که مدام چشم مان به آن می افتاد. آن روزها اشعار کهن فارسی برای کودکان، مثل امروز با تصویرسازی های متعدد، ساده سازی نمی شد. در کتاب های درسی تدریس می شد. اما کم بود و ما اشعار را بدون درک درستی از غنای آن ها فقط از زبان بزرگ ترها می شنیدیم.

آن روزها سه بار سعدی برای من به طرز شگفت آوری تکرار شد، اول در نامه ای دست نویس که خانم معلم هنر کلاس پنجم دبستان برایم نوشت. نامه خانم «زایر آتیه» با این شعر آغاز شده بود: «پادشاهی و گدایی بر ما یکسان است که بر این در همه را پشت عبادت، خم از اوست. بار دوم در کلاس آقای «محبی»، معلم ادبیات سوم دبیرستان بود. همه جزئیات صورت این مرد را به یاد دارم. آقای محبی چهل و هشت ساله بود. حالا با وجودی که ۲۹ سال از کلاس درس اومی گذرد، آقای محبی هنوز چهل و هشت ساله است و برای من هنوز همان است که بود، بی هیچ تفاوتی، محبوس در زمان، مومیایی شده در خاطرات، با انتخابی بینی ای به سمت پایین، چشم های درشت، صورت تیغ زده که همیشه خلل وفرج پوست صورتش را تماشا می کردم و کت وشلوار دم پای گشاد فاستونی پیروی، که همه ایام سال بر قامتش بود. آقای محبی، صدای گچی بود که من چند دقیقه قبل، دویده بودم از دفتر مدرسه برایش آورده و به دستم سپرده بودم- انکار فاتحانه ترین کار جهان را انجام داده بودم- تا گچ را دونیم کند و با آن نصف گچ توی دستش روی تخته بنویسد: «تو را حکایت ما مختصر به گوش آید که حال تشنه نمی دانی ای گل سیراب! اگر چراغ بمیرد، صبا به غم دارد، وگر بریزد کتان، چه غم خورد مهتاب! / دعات گفتیم و دشنام اگر دهی سهل است که باشکر دهان خوش بود سوال و جواب، و بعد از ساده سخن گویی سعدی بگویند که چطور می توان به مخاطب عام، این همه پند و آموزه داد. آقای محبی همان «کهن شاد همه کس را به روزگار ادرات، مگر مرا که همان عشق اول است وز زیادت، سعدی بود که از موسیقی سعدی برایمان می گفت، از موزون بودن کلماتی که سعدی استفاده می کرد تا موقع خواندن،

شعف و شادی به سراغ مخاطب بیاید. بعد ها فهمیدم که وقت خواندن سعدی، لب و دهانم حتی تغییر شکل می دهند. او کلمات را به گونه ای واچ آریبی می کرد که دهان و لب و زبان موقع خوانش آن، وضعیتی

دگرگون می یافتند. آهنگ سعدی از جذبه ای می آمد که در کثرت عشق در اشعارش نهفته است. از این مضمون که خیر محض در عاشقی است، حتی اگر این عاشقی به کشتار توبینجامد. قشنگ ترین آهنگ دنیا که سراسر بخشش و عطفوت و فضل خداست تا شاید یادگیری از محنت دیگران، بی غم نباشی. درسی بزرگ تر از این سراغ دارید در این جهان؟

بار سوم که سعدی دهنم را پر کرد، هنگام آشنایی با آدین (ابوالفضل) عطار بود، جوانی پرشور و نابغه که حرف های سخاوتمندانه اش شبیه هیچ کس نبود. در راهروهای نمور و تاریک انجمن سینمای جوان مشهد با او هم کلام شدم. ابوالفضل مرا به تماشای فیلم کوتاه مشهور مهدی بمانی، «دوباره بر خاک،» دعوت کرد که فیلم نامه اش را ا نوشته بود. آن روزها فیلم کوتاه طور دیگری نفس می کشید، در تنگنا و فقر و بی کسی و شیدایی کامل. فیلم را توی یک آپارات مستهلک که هر لحظه بیم پاره شدن و سوختن تنها نسخه آن می رفت، روی دیوار انباری انجمن و نه روی پرده نقره ای دیدیم. تکان دهنده بود. آنجا آدین (ابوالفضل) از شعری گفت که روی در یک تاکسی دیده بود و خلاصه این حکایت از باب سوم گلستان بود: «هرگز از دور زمان ننالیده بودم و روز از گردش آسمان درهم نکشیده، مگر وقتی که پایم برهنه ماند و بود و استطاعت پای پوشی نداشتم. به جامع کوفه در آمدم دالتنگ، یکی را دیدم که پا نداشت، سیاس نعمت حق به جای آوردم و بر بی کششی صبر کردم،» است تا شعرش هم روی در تاکسی بیاید. هم یک نویسنده قابل، آن را به فیلم نامه تبدیل کند، هم یک فیلم ساز پرنبوغ مثل مهدی بمانی آن را فیلم کند و این فیلم پرودهمه جای دنیا ستایش شود و خرجه پیام، از ۷۶ سال پیش تا امروز از طریق کلام سعدی در حرکت و دیالکتیکی ازلی اندی باقی بماند. اگر اسم این تأثیرگذاری نیست، پس چیست. آن هم همان «روزگاری که انصاف، حق پذیری، اخلاص، عیب پوشی، محبت رسانی و نوع دوستی در ما به کلی فراموش شده و از میان رفته است. کاش همه روزها روز تو بود! آقای عاشق، روزت مبارک!

حدیث روز

سودمندترین داروها، رها کردن آرزوهایت.

امام علیؑ

وضعیت هوا	۳۱٪	↓ ۱۳°	↑ ۲۸°
صبح ۲۱	ظہر ۲۸	شب ۱۷	
عصر ۲۱			

- اذان ظهر** ۱۲:۳۰:۱۲ نیمه شب شرعی ۲۳:۴۴:۴۲
- غروب آفتاب** ۱۹:۱۰:۳۰ اذان صبح فردا ۰۴:۱۷:۱۹
- اذان مغرب** ۱۹:۲۹:۳۲ طلوع آفتاب فردا ۰۵:۴۸:۳۹

سریال سازی یا سریال دوزی؟

چند خط درباره «احضار» و «یاور» از انتقادهای مردمی درباره آن ها

محمد ناصر حق خواه

سریال سازی در ماه رمضان، سنتی قدیمی در تلویزیون است. هر سال ترکیبی از سریال ها با موضوعات ماورایی، اخلاقی، اجتماعی و البته طنز، ساعات پس از افطار مردم را پر می کنند. سریال هایی که تا همین چند سال پیش جزو جریان سازان اصلی تلویزیون مابودند. از کمدی های روزها فیلم کوتاه طور دیگری نفس می کشید، در تنگنا و فقر و بی کسی و شیدایی کامل. فیلم را توی یک آپارات مستهلک که هر لحظه بیم پاره شدن و سوختن تنها نسخه آن می رفت، روی دیوار انباری انجمن و نه روی پرده نقره ای دیدیم. تکان دهنده بود. آنجا آدین (ابوالفضل) از شعری گفت که روی در یک تاکسی دیده بود و خلاصه این حکایت از باب سوم گلستان بود: «هرگز از دور زمان ننالیده بودم و روز از گردش آسمان درهم نکشیده، مگر وقتی که پایم برهنه ماند و بود و استطاعت پای پوشی نداشتم. به جامع کوفه در آمدم دالتنگ، یکی را دیدم که پا نداشت، سیاس نعمت حق به جای آوردم و بر بی کششی صبر کردم،» است تا شعرش هم روی در تاکسی بیاید. هم یک نویسنده قابل، آن را به فیلم نامه تبدیل کند، هم یک فیلم ساز پرنبوغ مثل مهدی بمانی آن را فیلم کند و این فیلم پرودهمه جای دنیا ستایش شود و خرجه پیام، از ۷۶ سال پیش تا امروز از طریق کلام سعدی در حرکت و دیالکتیکی ازلی اندی باقی بماند. اگر اسم این تأثیرگذاری نیست، پس چیست. آن هم همان «روزگاری که انصاف، حق پذیری، اخلاص، عیب پوشی، محبت رسانی و نوع دوستی در ما به کلی فراموش شده و از میان رفته است. کاش همه روزها روز تو بود! آقای عاشق، روزت مبارک!

اولین حاشیه تلویزیون و سریال های ماه رضانی اش، ترسیدن سریال بهروز افخمی به پخش در ماه رمضان بود. سریالی که چندین ماه است با حاشیه های فراوان در حال ساخت است و همه می دانستند که قرار است ماه رمضان امسال به آتن برسد، اما ماجرا طور دیگری پیش رفت تا ترکیب سریال های تلویزیون در ماه رمضان امسال، به ترتیب در سه شبکه اصلی، «احضار»، «بچه مهندس» و «یاور» باشد. سریال هایی که پر از نبودن اند. نبودن هایی که به تفصیل در ادامه مطلب شرح داده خواهد شد. اما تیتیر این نبودن ها را اگر بخواهید بنامید، از این قرار است: نبودن تیم قوی و حرفه ای، نبودن بازیگران شناخته شده و کاربلد، نبودن خلاقیت و ایده های جدید و نبودن زمان و بودجه کافی که در پلان به پلان این سریال ها مشهود است. مشکل بزرگی که این نبودن هاو کم بودن ها را به وجود آورده است، پول است. همین چند روز پیش مهرا م هام که یکی از تهیه کنندگان با سابقه تلویزیون است، در مصاحبه ای از سخت شدن سریال سازی در تلویزیون و کوچ هزینندان به شبکه نمایش خانگی گفته بود. زیرا به گفته او، میانگین یک دقیقه سریال سازی در تلویزیون ۱۴ میلیون و در شبکه نمایش خانگی ۳۰ میلیون تومان است. بنابراین حرف اول خیلی ها قبل از کار و کیفیت اثر، بحث پول است. اما مشکلات سریال های امسال علاوه بر بودجه کم که باعث

روزنامه شهر امید و زندگی	SHAHRARANEWS.IR	۴شنبه
۲۰صفحه ۸۰صفحه ۴۰صفحه ورزشی ۸صفحه شهرآرام ۲۰صفحه کوله پشتی	شماره ۳۳۶۶ ۱۰۰۰ تومان	۰۲۰۱۴۵۵
میتوان نامه اخلاق حرفه ای		

حضور کم تعداد ستاره های مشهور، چیزهای دیگری است که به ترتیب به آن ها اشاره می کنیم.

● اثر هنری؟ درست است که پول، رکن مهمی در ساخت یک سریال است، اما اثر هنری را فقط پول نمی سازد. خلاقیت و عمق فکری و فرم هم مهم است. اگر در سریال احضار، امکان نداشته است که بازیگران درجه یک به کار گرفته شوند، دیالوگ نویسی هم نمی شده است بهتر باشد؟ اگر امکان پرداختن به جلوه های ویژه در این سریال که یک سریال ماورایی است، نبوده است، موسیقی و فضا سازی و نور و صحنه و پیچ وخم داستان هم نمی توانست به ایجاد حس ترس و تعلیق کمک کند، تا جایی که یکی از کاربران در توییتر نوشته بود: «دختر کوچکم هر چند دقیقه از من می پرسد من که نمی ترسم. پس چرا می کن بچه ها نباید این سریال رو ببینن؟» کاربری هم درباره رده بندی سریال نوشته بود: «کاش حداقل یک زیرنویس دائمی رده بندی سنی اون پایین می گذاشتن، هر چند زیاد فرقی هم نداشت... البته کاربرانی در جواب او گفته بودند که سریال رده بندی منفی ۱۴ سال دارد و این موضوع چندین بار در طول سریال هشدار داده می شود.

این نبود خلاقیت، در سریال بچه مهندس ۴ هم خود را باارایت کند و کم اتفاق و تکراری، با دوربینی ایستاد کم تحرک و ریتمی خسته کننده و البته مضامینی تکراری نشان می دهد. از همین روزها و قسمت های اول معلوم است که سریال، کشش یک ماه طول کشیدن را ندارد. هر چند با توجه به کیفیت دو سریال دیگر و موفقیت بچه مهندس ۲، احتمالاً بیشترین رضایت مردمی را همین داستان زندگی آقای جواد جواد و دوستانش در سریال بچه مهندس ۴ جلب کند.

صدق و صلاح در مکتب امام رضا(ع)

غلامرضا بنی اسدی

راستی است که انسان را به سمت درستی می برد. از نارا راستی، از کج اندیشی، از باطل گویی، کسی به حق نمی رسد. خدا بیامرز د شهید عالی مقام، آیت ا...، دکتر بهشتی را که می فرمود از یلکان حرام نمی شود به نام سعادت حلال رسید. این را با او بارها می گفت، به ویژه وقتی برخی، ناپرهیزی می کردند و می خواستند-ولو باینیت خبر- دروغی را بر جسته کنند. او در برابر تهمت زدن به دشمنان هم حساس نبود و راه می بست. او نگران ایجاد فشار روحی بود، حتی برای مخالفانش. تا کیدش بر صدق و راستی بود، همان که حضرت رضا(ع) در نامه ای به فضل بن سهل از دین امانان می شماردش. تا کید امام را بر ورع و عفت خواندیم و با خوانش سلوک شهید بهشتی به دو فر از دیگر از همین حدیث می رسیم با مفهوم متعالی «وَالصُّدْقُ وَالضَّالْح»، راستی از دین است. همان که در روش ائمه(ع) می خوانیم. مولفه ای که می توان آن را بن مایه ایمان دانست، صداقت. چیزی که مومن همواره بدان همت دارد و هیچ گاه نقیض آن را که دروغ است. به زبان و رفتار خود را نمی دهد، چون از بیان رسول خدا(ص) خوانده است: «هر خصلتی در مؤمن ریشه دار می شود، جز دروغ، و چون از ایشان پرسیدند: آیا مؤمن زمانی می کند؟ فرمود: «ممکن است گاه چنین باشد، باز سؤال کردند که: آیا مؤمن دست به سرقت می زند؟ فرمود: «ممکن است گاه چنین باشد، باز پرسیدند که: آیا مؤمن دروغ می گوید؟ فرمود: «نه، کسانی دروغ پرداز می کنند که به خدا ایمان ندارند. دروغ، بن مایه سر پر و پردازنده شراست است. باید پرهیز کرد از گناهی چنین که راه صلاح و سودا را می بندد. در این روزها و شب ها که به برکت «رمضان الکريم»، بیستر تعالی و رشد فراهم است، بگوئیم به درس آموزی در مکتب امام رضا، ورع را به عفت گره زنیم و به صدق و صلاح، جان و ایمان را فر به کنیم تا بتوانیم در تراز ایمان رضوی، صاحب جایگاه شویم. ان شاء ا...!

روزنامه همه ما مقصریم!	روزنامه شهر امید و زندگی	روزنامه شهرآرام
۲۰صفحه ۸۰صفحه ۴۰صفحه ورزشی ۸صفحه شهرآرام ۲۰صفحه کوله پشتی	شماره ۳۳۶۶ ۱۰۰۰ تومان	۰۲۰۱۴۵۵
میتوان نامه اخلاق حرفه ای		

- روزنامه فرهنگي- اجتماعي- اطلاع رساني
- مسابقتي- اطلاع رساني
- شهرداری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید هادی فیاضی
- مسئول: زارنگ حاتمسی
- نشانی: میدان شهدا
- تلفن: ۳۷۲۸۸۸۱-۵
- دفتر مرکزی:
- نمابر: ۳۷۲۲۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۴۴۳۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



فیروزه مظفری

سفره های پلاستیکی ۱۰۰ درصد گران شد!

کیوسک

گلوبال تایمز

بر اساس نظرسنجی مرکز تحقیقات گلوبال تایمز، حدود ۹۰ درصد جوانان چینی معتقدند که چین دیگر نباید «نگاهی از پایین به بالا به غرب داشته باشد.» در مطلبی با تیتیر «۴۰ درصد چینی ها نگاهی از بالا به پایین به غرب دارند»، سردبیر گلوبال تایمز توضیح می دهد که راهکارهای چین برای کنترل همه گیری کرونا در کنار تحریم های غرب علیه فناوری های این کشور، از مهم ترین مسائلی است که دیدگاه جوانان چینی را درباره غرب تغییر داده است.

نیویورک تایمز

در پی حادثه تیراندازی در ایندیانا پلیس که منجر به کشته شدن ۱۸ تن شد، روزنامه نیویورک تایمز در یکی از مطالب صفحه نخست خود از نواقص قانون «پرچم قرمز» آمریکا می نویسد. «پرچم قرمز» قانونی است که به پلیس آمریکا اجازه می دهد سلاح افراد پرخطر را مصادره کند و آن ها را به دادگاه بکشاند، البته پیش از این حادثه یک بار پلیس ایندیانا، سلاح فرد تیرانداز را مصادره کرده بود، اما نگرانی ها درباره قوانین ناقص «پرچم قرمز» پلیس آمریکا را واداشت تا فقط به مصادره ارتقا کند و از خیر اجرایی کردن این قانون بگذرد.

گاردین

این روزنامه بریتانیایی، در مطلب نخست خود به اعتراض ها علیه تصمیم ۱۱ باشگاه فوتبال اروپا که به صورت رسمی از ایجاد لیگ جدیدی در فوتبال قاره سبز به نام «سوپرلیگ اروپا» خبر داده اند، پرداخته است. در این مطلب آمده است که دولت بریتانیا و مقامات ارشد ورزشی این کشور، در برابر برنامه «سوپرلیگ اروپا» ایستادگی کرده اند و آن را تهدیدی برای ساختار بازی های اروپایی می دانند. فیفا این ۱۱ باشگاه و بازیکنان آن ها را به اخراج از لیگ های داخلی کشورشان تهدید کرده است.

ادامه از یادداشت روز صفحه یک

...اگر کودک یا جوان یا بزرگ سالی در طول زندگی معلول شد، مشکلی نیست، باید او را تأمین کرد، ولی اگر در مرحله جنین وضعیتی اثبات شود، آیا پدر و مادر حق دارند که او را انسان کاملی بدانند و او را سقط نکنند و به دنیا آورند؟ آیا پدر و مادر حق دارند بدون آزمایش ژنتیک و... باهم ازدواج کنند؟ به نظر می رسد که حق دارند و در عین حال حق ندارند فرزند یابورند که دچار مشکلات بیماری و ژنتیکی باشد. در هر حال، این نکته در حد طرح بحث و توجه به اثرات فناوری و علم بر مسئولیت مادر همه امور از جمله فرزندآوری ضروری است، مسائل دنیای جدید را با پیش فرض های دنیای قدیم نمی توان حل کرد.

مجله عصر شکر هجده شصت

برای خواندن مجله

عصر شهر آرا

کد را اسکن کنید

